

■ Identifying the Meanings of Architectural History as the Cross Section of the Words 'History' and 'Architecture'

Mohammad Gholam-Ali Fallah, PhD

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University

Architectural history is a less than two-century-old discipline. A survey of its theoretical resources indicates a lack of consensus on what architectural history is and what it should be, and of course, how it should be made. This is partly to do with a lack of clarity in definitions of terms 'history' and 'architecture' themselves, and hence the attempt here for clarification of meanings of these terms and their relation. This research recognises six modes for 'architectural history':

1. The Study of architecture through a course of time
2. The more focused study of architecture through a short period
3. The study of architecture and buildings as 'historical' entities in relation with other historical entities
4. The study of past human actions with a focus on their 'spatiality'
5. The study of 'architectural remains' of the past in order to provide evidence for historiography
6. The study of history through acts of architecture

So far, modes 1, 2, 3 and 5 have been realised, and mode 4 is developing. But the sixth mode is yet to be realised, and we can only talk about it in a theoretical level. The research is non-qualitative, and uses content analysis method, with a logical reasoning approach. There are five chapters: 'introduction', 'dual meanings of "history"', 'architecturally themed history', modes of architectural history, and conclusion.

Keywords: Architectural history, Architecture, Modes of architectural history, Architectonic history.

تبیین معانی تاریخ معماری از طریق بررسی نسبت مفردات لفظ آن

محمد غلامعلی فلاح^۱

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت: ۱ مهر ۱۳۹۸
پذیرش: ۵ بهمن ۱۳۹۸
(صفحه ۱۰۸-۹۷)

کلیدواژگان: تاریخ معماری، معماری، اطوار تاریخ معماری، تاریخ معماریانه.

چکیده

موضوع معماری بر سه قسم است:

۱. مطالعه بعد طولی عمل معماری در طی زمان، ۲. مطالعه بعد عرضی عمل معماری در طول زمان، ۳. مطالعه معماری و آثار معماری در مقام موجوداتی «در تاریخ» و در نسبت با دیگر اعمال و رویدادها و دیگر وجوه زندگی انسان. تحقیق‌های تاریخی با رویکرد معماری نیز بر سه قسم است: ۴. مطالعه گذشته انسان با عطف توجه به مکان تحقق اعمال او، ۵. تحقیق به منظور مطالعه قسم معماریانه بقایای اعمال گذشته انسان و تمهید منابع تاریخ، ۶. تحقیق‌هایی تاریخی به طرز یا به وساطت عمل معماری.

معماری در مقام موضوع تاریخ معرف اطوار اول و دوم و سوم تاریخ معماری است و معماری در مقام رویکرد تاریخ معرف اطوار چهارم و پنجم و ششم. تا کنون اطوار اول و دوم و سوم و پنجم تاریخ معماری تحقق یافته و طور چهارم از آن در مرحله تکوین است؛ اما طور ششم از تاریخ معماری هنوز تحقق نیافته و سخن گفتن از آن تنها در مقام تعریف ممکن است.

در تحقیق حاضر «تاریخ معماری» از طریق بررسی مفردات لفظ آن بررسی می‌شود. این تحقیق غیرکمی و روش آن تحلیل مضمون و راهبرد آن استدلال منطقی است.

تاریخ معماری رشته‌ای نوظهور و عمر آن کمتر از دو سده است. با مطالعه منابع نظری تاریخ معماری درمی‌یابیم که ماهیت و حدود این رشته همچنان مبهم است و هنوز اهالی این رشته اتفاق نظر همه‌جانبه‌ای بر سر چپستی آن ندارند. یکی از علل ابهام تاریخ معماری ابهام در نسبت مفردات لفظ آن، یعنی تاریخ و معماری، است. بنابراین، یکی از گام‌های مهم برای روشن کردن معنای تاریخ معماری، روشن کردن نسبت‌های مختلف ممکن میان تاریخ و معماری در ترکیب تاریخ معماری و شمردن معانی مختلف ممکن این ترکیب و از این راه روشن کردن معانی مختلف ممکن تاریخ معماری است. این کار را در این مقاله با طرح پرسش از نسبت الفاظ تاریخ و معماری در ترکیب تاریخ معماری و تبیین معانی مختلف حاصل از هم‌نشینی این دو در ترکیب تاریخ معماری انجام داده‌ایم. مطابق این تحقیق اطوار مختلف ممکن تاریخ معماری، با نظر به ساخت و معنای لفظ آن، شامل این‌هاست: تحقیق‌هایی تاریخی با موضوع معماری و تحقیق‌هایی تاریخی با رویکرد معماری. تحقیق‌های تاریخی با

1. g_mohammad@sbu.ac.ir



پرسش تحقیق

تاریخ معماری بنا به معنای لفظش چیست و به چند صورت امکان تحقق دارد؟

مقدمه

تاریخ معماری رشته‌ای نوظهور در افق دانش بشری است که عمری کمتر از دو سده دارد. از مطالعه منابع نظری تاریخ معماری، بخصوص معدودی از آن‌ها که از پی تلاش در جهت ایضاح مفهوم و حدود تاریخ معماری نگاشته شده است، برمی‌آید که تاریخ معماری هم از نظر تاریخی و هم در حال حاضر در رشته‌هایی چون تاریخ هنر، باستان‌شناسی، تاریخ، انسان‌شناسی و معماری تنیده است؛ چنان‌که می‌توانیم آن را بر مبنایی چندرشته‌ای استوار بدانیم که بر مرزهای رشته‌های یادشده نشسته است.^۲

مبنای چندرشته‌ای تاریخ معماری موجب شده است که طرز تحقیق در این رشته از دانش در میان رشته‌های گوناگون یادشده مشخص نباشد و علاوه بر حدودش، ماهیت آن نیز مبهم بماند. از درون این رشته نیز خود عنوان تاریخ معماری به این ابهام دامن زده است؛ تاریخ معماری از هم‌نشینی دو مفهوم تاریخ و معماری پدید آمده است. تاریخ مفهومی است پیچیده و غامض با معانی مختلف که در باب چیستی آن اختلاف نظر بسیار است. معماری نیز مفهومی است که بر سر چیستی آن توافقی وجود ندارد.^۳ ابهام این دو مفهوم موجب می‌شود که نسبت آن‌ها نیز در ترکیب تاریخ معماری مبهم باشد^۴ و در نتیجه تاریخ معماری به منزله رشته و حوزه‌ای از دانش مبهم بماند. این نسبت آنجا مبهم‌تر می‌شود که دریا بیم ترکیب history of architecture که آشکارا ترکیبی اضافی است و حکایت از نوعی «تاریخ مضاف» می‌کند — که مضاف‌الیه آن معماری است — در دهه‌های اخیر جای خود را به ترکیب وصفی architectural history داده است؛ یعنی نه تاریخی که به معماری تعلق دارد، بلکه تاریخی که موصوف به معماری است.

یکی از راه‌های زدودن ابهام از تاریخ معماری توجه به معانی مختلفی است که لفظ تاریخ معماری بر آن‌ها دلالت می‌کند. بنابراین، یکی از گام‌های مهم در این مسیر روشن کردن نسبت‌های مختلف ممکن میان تاریخ و معماری در ترکیب تاریخ معماری و شمردن معانی مختلف ممکن این ترکیب و از این راه روشن کردن معانی مختلف ممکن تاریخ معماری است، چه این معانی در عالم واقع تحقق یافته باشند و چه چنین نباشد. در این مقاله با طرح پرسش از نسبت الفاظ تاریخ و معماری در ترکیب تاریخ معماری و تبیین معانی مختلف حاصل از آن در ترکیب تاریخ معماری به این مهم پرداخته‌ایم. این مستلزم سطحی

2. A. Ergut & B.T. Ozakaya, "Introduction: Mapping Architectural Historiography", p. 4; David Watkin, *The Rise of Architectural History*; Alina Payne, "Architectural History and the History of Art: a Suspended Dialogue", p. 292; A. Leach, *What Is Architectural History*, p. 10; D. Arnold & E.A. Ergut & B.T. Özkaya. *Rethinking Architectural Historiography*, p. xvi.
3. Leach, *ibid*, p 2, 66, 67.
4. *Ibid*, p 66, 67.

از مفهوم‌پردازی است که زمینه را برای وضوح یافتن فضاهای ممکن تحقیق در تاریخ معماری آماده کند و به یافتن مسیرهای تازه و امکان‌های نامکشوف در آن منجر شود.

این تحقیق بر دو فرض اساسی استوار است. تاریخ معماری راه، که از نظر زبانی لفظی مرکب است، هم می‌تواند یک واحد لفظی و معنایی شمرده، که از معانی و نسبت مفرداتش با هم تبعیت نمی‌کند و معنایش را از توافق صاحب‌نظران این حوزه کسب کرده است و می‌کند، و هم می‌تواند مرکب بودن صورت آن راه، دست‌کم در مرتبه لفظ، نشان از آن دانست که معنای آن از معنای مفرداتش و نیز نسبت آن‌ها با هم متأثر است. در این تحقیق تاریخ معماری را لفظی مرکب فرض می‌کنیم که معنایش از معنای مفرداتش و نیز نسبت آن‌ها با هم متأثر است. به بیان دیگر، در این تحقیق فرض ما این است که تاریخ و معماری با حضورشان در ترکیب تاریخ معماری نیروهای معنایی خودشان را به این لفظ وارد می‌کنند و با نسبت‌های مختلفی که با هم می‌یابند، معانی مختلف تاریخ معماری را تعیین می‌کنند. همچنین در این تحقیق، این باور متعارف و مقبول در میان اهل تاریخ معماری را فرض می‌گیریم که تاریخ معماری نحوی از تاریخ است. در واقع اثبات اینکه تاریخ معماری نحوی از تاریخ هست یا نیست، وابسته است به توافق اهل تاریخ معماری. اگر فرض اول این تحقیق را بپذیریم، آنگاه حضور لفظ تاریخ در ترکیب تاریخ معماری از دو حال خارج نیست: یا از بستگی تاریخ معماری به تاریخ حکایت می‌کند و یا با تاریخ مشترک لفظی است. رفتار اهل تاریخ معماری با عنوان تاریخ معماری و مضمون گفتگوهایشان نشان می‌دهد که آن‌ها، همان‌طور که در آثارشان منعکس است و از محتوای نظراتشان برمی‌آید، تاریخ معماری را نحوی از تاریخ می‌دانند؛ مثلاً دینا آرنولد در کتاب *خوانش تاریخ معماری* صراحتاً تاریخ معماری را نحوی از تاریخ می‌داند و برای توضیح چپستی تاریخ معماری به آرای یکی از فیلسوفان مشهور تاریخ، ای. ایچ. کاره^۵ و کتاب او به نام *تاریخ چیست؟*^۶ رجوع می‌کند.^۷

پیداست که برای آغاز کردن تحقیقی با مفروضات یادشده، باید پیشاپیش به توضیحی مجمل و روشن از مفردات ترکیب تاریخ معماری، یعنی تاریخ و معماری، تکیه کنیم. پیش از این، نگارنده مقاله حاضر در رساله دکتری خود، با عنوان *تاریخ معماری در مقام معرفت*، که تلاشی در جهت روشن کردن مفهوم تاریخ معماری بوده، این دو مفهوم را بررسی و توضیحی برای این دو عرضه می‌کند و پس از بررسی و جمع کردن میان آرای صاحب‌نظران و فیلسوفان تاریخ، تاریخ را نحوی تحقیق درباره معرفت انسان یا طریقی برای معرفت یافتن به معرفت انسان می‌داند؛ منظور آن قسم از معرفت‌هایی بوده که در اعمال گذشته انسان ظهور بیرونی یافته است. بنابراین تاریخ اعمال گذشته انسان راه، به دلیل آنکه سابه و معلول معرفت انسان هستند، در کانون توجه قرار می‌دهد و با تفسیر بقایا، یعنی هرآنچه از اعمال انسان برجا مانده است، به پیش می‌رود و هدف از آن نیز شناخت انسان است.^۸ نگارنده در آن مطالعه، همچنین با تحقیقی لغت‌شناسانه و سپس منطقی-فلسفی و مفصل، معماری را جهتی واحد در مجموع معرفت و عمل افراد نوع انسان معرفی می‌کند، جهتی واحد که بالقوه می‌تواند موجب تغییر جهان برای سکونت انسان شود. از این‌رو معماری در مقام معرفت مجموعه‌ای پیچیده و آمیخته‌ای است از معرفت‌هایی پرشمار ناظر به انسان در مقام فاعل معماری و انسان در مقام بهره‌ور از محصول معماری و طبیعت با همه پیچیدگی‌هایشان، و نیز انسان با باورها و معرفت‌های حقیقی و اعتباری‌ای که در نزد خود دارد. عمل معماری نیز حرکتی است صناعی، متضمن اعمال مختلف کسان مختلف، با غایت تمهید جهان ماده برای سکونت انسان.^۹ این توضیح‌ها از تاریخ و معماری متکای ما در مقاله حاضر است.

پیش از این دانشورانی کم‌شمار با طرح این پرسش یا پرسش‌هایی مشابه یا نزدیک به آن به لفظ و مفهوم تاریخ معماری نظر کرده‌اند. مهرداد قیومی بیدهندی، در مقاله‌ای در

5. Edward Hallett Carr
(1892- 1982)

6. *What is History?* (1961)

۷. نک:

D. Arnold, *Reading*

Architectural History, p. 1-14.

۸. نک: محمد غلامعلی فلاح، *تاریخ معماری در مقام معرفت: تبیین فلسفی بنیادهای وجودی و معرفتی تاریخ معماری و نسبت آن با معماری با اتکا بر حکمت متعالیه*، ص ۷۵-۸۱

۹. نک: همان، ص ۹۳-۱۱۸.

۱۰. نک: مهرداد قیومی بیدهندی، «سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آنها».

۱۱. نک: همو، «تقریظ».

۱۲. مهرداد قیومی بیدهندی در کلاس‌های مختلف دوره کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران در دانشگاه شهید بهشتی بارها درباره این موضوع سخنرانی کرده است. ایده این تحقیق از سخنرانی‌های ایشان و مطالعه مقاله‌های دو ارجاع پیشین به دست آمده است. این دو متن مهم‌ترین منابع مقاله حاضر نیز هست.

۱۳. نک:

A. Leach, *What Is Architectural History?*.
14. D. Arnold, *Reading Architectural History*, p. 1-14.

۱۵. تحلیل مضمون تاریخ معماری از طریق توجه به نسبت مفردات لفظ آن با هم.

۱۶. مهرداد قیومی بیدهندی، «تقریظ»، ص ۱۱.

۱۷. نک: همو، «سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آنها»، در این مقاله به تاسی از ایشان تاریخ موصوف معماری را تاریخ معماریانه می‌خوانیم.

۱۸. همو، «تقریظ»، ص ۱۲.

۱۹. نک:

S. Marshall, *A Brief Cultural History of Culture*.

نشریه گلستان هنر^{۱۰} و نیز تقریظی که بر کتاب مقدمه‌ای بر تاریخ شفاهی معماری ایران نوشته^{۱۱} این نسبت را بررسی کرده است.^{۱۲} اندرو لیچ در کتاب تاریخ معماری چیست؟ پرسش از نسبت تاریخ و معماری را طرح کرده، اما آن را پی نگرفته و بسط نداده است.^{۱۳} دینا آرنولد در کتاب خوانش تاریخ معماری، برای روشن کردن مفهوم تاریخ معماری، به بررسی مفردات ترکیب تاریخ معماری پرداخته، اما نسبت‌های مختلف میان مفردات ترکیب تاریخ معماری و معانی مختلف آن را بررسی نکرده است.^{۱۴}

تحقیق حاضر غیرکمی و روش آن تحلیل مضمون^{۱۵} و راهبرد آن استدلال منطقی است. مقاله بعد از مقدمه در چهار باب تنظیم شده است: معانی دوگانه لفظ تاریخ معماری؛ تاریخ با موضوع معماری؛ تاریخ با رویکرد معماری؛ و اطوار مفهوم تاریخ معماری که باب آخر در حکم نتیجه آن است.

۱. معانی دوگانه تاریخ معماری

تاریخ را در زبان فارسی و غیر آن در ترکیب‌های مختلفی می‌نشانند: مثلاً «تاریخ ایران»، «تاریخ صفویه»، «تاریخ فلسفه»، «تاریخ علم»، «تاریخ فرهنگ»، «تاریخ خانواده»، «تاریخ اندیشه»، «تاریخ ذهنیت‌ها»، و «تاریخ فرهنگی». گاه این ترکیب‌ها وصفی است و گاه اضافی؛ مثلاً «تاریخ فرهنگی» ترکیبی وصفی است و در آن تاریخ موصوف به صفت فرهنگی شده است، و «تاریخ ذهنیت‌ها» ترکیبی اضافی است که در آن تاریخ مضاف به ذهنیت‌ها شده است. بنابراین لفظ تاریخ در انواع ترکیب‌هایی که با آن می‌سازند یا در مقام موصوف است یا مضاف. به‌هرحال، مدلول همه این ترکیب‌ها تاریخ است و در همه این‌ها با نحوی از تاریخ مواجهیم که، یا با افزودن مضاف‌الیه و یا با ائتلاف صفتی، آن را از دیگر انحاء تاریخ ممتاز کرده‌اند.^{۱۶} آنچه را در فارسی تاریخ معماری می‌خوانیم، در انگلیسی history of architecture یا architectural

history می‌خوانند. هر دو این ترکیب‌ها را در فارسی به تاریخ معماری برمی‌گردانند؛ از این‌رو تفاوت این دو در لفظ رایج فارسی آن پیدا نیست. گاه برای نشان دادن این تفاوت و تأکید بر اهمیت آن ترکیب اولی را به «تاریخ معماری» و دومی را به «تاریخ معماریانه» برگردانده‌اند.^{۱۷} می‌بینیم که تاریخ در یکی از این دو مضاف به معماری است و در دیگری موصوف به معماری.

مضاف‌الیه یا صفت تاریخ گاه معرف موضوع تاریخ است و گاه روش، رویکرد، یا دیدگاه آن؛^{۱۸} مثلاً فرهنگ در ترکیب «تاریخ فرهنگ» معرف موضوع تاریخ است، اما فرهنگی در ترکیب «تاریخ فرهنگی» معرف رویکردی است در نوشتن تاریخ. از این‌رو می‌شود تاریخ چیزهای مختلف از جمله فرهنگ را با رویکرد فرهنگی یا غیر آن نوشت.^{۱۹} بنابراین معماری در ترکیب تاریخ معماری ممکن است معرف موضوع تاریخ یا رویکرد آن باشد: تاریخ درباره معماری و تاریخ با رویکرد معماری.

۲. تاریخ با موضوع معماری

اگر معماری را در ترکیب تاریخ معماری معرف موضوع تاریخ بگیریم، آنگاه تاریخ معماری نحوی تحقیق درباره وجهی از مجموع معرفت گذشته انسان و طریقی است برای معرفت یافتن به آن؛ وجهی از معرفت انسان که در قسمی از اعمال او ظهور یافته و موجب تغییر جهان برای سکونت انسان و رسیدن آن به وضع امروز شده است. پرسش نهادین چنین تحقیقی همواره این است که ظهور معرفت انسان در کدام اعمال او چگونه موجب شد تا اولاً جهان مهیای سکونت انسان شود و ثانیاً این‌گونه باشد که امروز هست؟ بنابراین معلوم یا مفروض تاریخ با موضوع معماری این است که اولاً نوع انسان به سکونت در جهان نیاز دارد و جهان را برای سکونتش تغییر می‌دهد، ثانیاً انسان جهان را با تکیه بر معرفت و نگاهش به طبیعت و جهان و انسان تغییر می‌دهد، و ثالثاً انسان جهان را به وساطت قسمی از

اعمالش تغییر می‌دهد. اما مجهول در این نحو تاریخ یا آنچه در کار تاریخ با موضوع معماری باید جست، این است که انسان با تکیه بر کدام معرفت و به وساطت کدام اعمالش و چگونه جهان را برای سکونتش تغییر داده است؛ مثلاً انسان چه می‌اندیشید و چه از طبیعت و جهان و انسان می‌دانست و چگونه به آن‌ها نظر می‌کرد که اهرام مصر را پدید آورد؟ شهرهای بین‌النهرین را پدید آورد؟ معابد یونانی را بنا کرد؟ به پولیس‌ها^{۲۰} شکل داد؟ تخت جمشید و پاسارگاد را برآورد؟ ایوان کسری را برپا کرد؟ سکونتگاه جی را ساخت؟ مسجد جامع اصفهان را ساخت؟ تهران امروز را پدید آورد؟ این‌ها را با کدام اعمالش و چگونه پدید آورد؟ با کدام تدابیر و کدام قوانین؟ با کدام ذوق بصری؟ با کدام آموزش؟ با کدام بنیه مالی؟ با کدام نظام اقتصادی و اجتماعی؟ با کدام باورها؟ چه کسانی در پدید آمدن این‌ها دخیل بودند؟ هر کدام چه نقشی و چه سهمی داشتند؟ هر کدام چگونه مساهمت کردند؟ کدام نیروهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و محیطی موجب پیدایی این‌ها شدند؟ هر کدام چگونه مؤثر واقع شدند؟ چگونه همه این کسان و عوامل و نیروها حرکتی واحد را پدید آوردند و به چیزی معین در جهان صورت بخشیدند؟ چگونه مجموع حرکت‌ها و چیزهایی که گذشتگان پدید آوردند به محیط طبیعی و مصنوع امروز ما شکل داد؟ پاسخ به چنین پرسش‌هایی کار تاریخ با موضوع معماری است. این نحو تاریخ با نظر کردن به انسان گذشته در ضمن حرکت‌های جزئی معماری، اولاً طرز مواجهه او با جهان و طرز برآوردن مکان زندگی‌اش را و ثانیاً معرفت او را در آینه این مواجهه و تعامل می‌کاود و ثالثاً تصویری صحیح‌تر از حدود عمل معماری به دست می‌دهد. از این‌رو در این نحو تاریخ گاه با احوال و اعمال کسان و گروه‌های مختلف در کسوت‌ها و با عناوین مختلف، از مردم گرفته تا قانون‌گذاران و حاکمان و حامیان و آمران و معماران و سازندگان و کارگران و بهره‌وران بناها سروکار دارند، گاه با احوال و ساخت و طبقات جوامع و ساخت و نظام‌های

سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و معیشتی آن‌ها، گاه با باورهای حاکم بر جوامع و فرهنگ و ذهنیت عوام و خواص آن جوامع، گاه با اقلیم و جغرافیا و ویژگی‌های سرزمینی، و گاه با بناها و بافت‌ها و شهرها و راه‌ها و قنوت و

گسترده‌گی و تنوع این‌ها از آنجاست که معماری به نوع انسان و زندگی او با همه پیچیدگی‌ها و وجوه خرد و کلان و ابعاد پیدا و پنهانش پیچیده و پایدار است. همین گسترده‌گی سبب می‌شود که تحدید منابع تاریخ با موضوع معماری، یعنی آن قسم از بقایایی که در این نحو تاریخ می‌توان به کار گرفت، ناممکن باشد. مهم‌ترین بقایایی که در کار تاریخ معماری واسطه معرفت به گذشته می‌شوند شامل بقایای مادی و غیرمادی است. بقایای مادی نظیر شهرها، بناها، راه‌ها، نقشه‌ها، ابزارها، تصاویر، ترسیم‌ها؛ بقایای متنی نظیر قراردادهای، گزارش‌ها، توصیف‌ها، خاطرات، متون و بقایای غیرمادی^{۲۱} نظیر آداب‌ورسوم و باورها و در یک کلام فرهنگ غیرمادی^{۲۲}. اما معرفت انسان پاره‌پاره نیست و تحقیق و کاوش در وجهی از معرفت انسان ملازم نظر داشتن به کلیت یکپارچه آن است. اگرچه در تاریخ با موضوع معماری معرفت انسان را از آن جهت می‌کاوند که در معماری ظهور یافته است، نمی‌توان نفی کرد که همین معرفت در دیگر اعمال انسان نیز ظهور دارد. از این‌رو ممکن است در تاریخ معماری بقایای دیگر اعمال انسان را نیز دست‌مایه‌ای برای فهم معماری بدانند و از آن در کار تاریخ معماری استفاده کنند.^{۲۳} به بیانی بهتر در کار تاریخ معماری به هر آنچه از گذشته انسان باقی است به منزله شاهد بالقوه معماری نظر می‌کنند.

معماری یکی از اعمالی است که از انسان سر می‌زند؛ بنابراین، وقتی به آن در نسبت با زمان نظر کنیم، دو بعد عرضی و طولی برای آن قابل‌تعریف خواهد بود،^{۲۴} در هر نقطه از جهان و هر مقطع از زمان جهان به وساطت عمل معماری برای سکونت انسان‌ها تمهید می‌شود؛ این همان بعد عرضی معماری است؛ یعنی خارج کردن ماده جهان از سیر طبیعی‌اش و نهادن

۲۰. شهرهای یونان باستان

۲۱. مشروط بر اینکه شواهدی از آن‌ها در دست باشد یا کل یا جزئی از آن‌ها در بعضی از جاها حفظ شده باشد.

22. D. Arnold, et al, *Rethinking Architectural Historiography*, p. xvi.

۲۳. مثلاً نک: مریم حیدرخانی، *جستجوی آداب معماری ایرانی بر مبنای رساله‌های ادب*؛ مونا بلوری، *بزاز، از معماری مینوی تا معماری زمینی*؛ معماری و اطوار آن در شاهنامه.

۲۴. برای مطالعه بیشتر نک: محمد غلامعلی فلاح، *تاریخ معماری در مقام معرفت*، باب ۳-۴-۲. «حرکت صنایع جهان».

صورت‌هایی تازه در آن به هدف تمهید آن برای سکونت انسان. اما نحو این تمهید در طی زمان متغیر است؛ مثلاً انسان‌های امروز خانه‌هایشان را به نحوی متفاوت با انسان‌های سده گذشته و پیش‌تر از آن می‌سازند. هر دو این ابعاد می‌تواند موضوع تاریخ قرار گیرد و به تناظر این‌هاست که تاریخ‌های خرد و کلان معماری پدید می‌آید. تاریخ‌های خرد معماری معمولاً ناظر به بعد عرضی حرکت معماری و لوازم پیشین و پسین انسانی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و مادی آن در بازه‌های کوتاه از زمان هستند؛ روایت برپایی یا چپستی یک بنا یا مجموعه‌ای از بناهای گذشته، روایت شکل‌گیری گونه‌ای از بناها در دوره‌ای کوتاه از زمان، روایت شکل‌گیری و تغییر یک شهر در دوره‌ای از زمان، روایت ظهور و افول یک سبک معماری، روایت چگونگی مساهمت عوامل مختلف در معماری منطقه‌ای خاص در دوره‌ای از زمان، و...^{۲۵} اما تاریخ‌های کلان معماری ناظر به بعد طولی حرکت معماری، یعنی تغییر نحو آن در طی زمان هستند. در این دسته از تاریخ‌های معماری معمولاً به مطلق معماری در بازه‌های فراخ از زمان و مکان نظر می‌کنند؛ مثلاً از مصر باستان تا معماری معاصر اروپا و امریکا.^{۲۶} در تاریخ‌های کلان معماری معمولاً تا حد زیادی از لوازم جزئی انسانی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و مادی معماری قطع نظر و در بهترین حالت به کلان‌ساخت‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جوامع نظر می‌کنند.

این همه گستره تاریخ با موضوع معماری نیست. هر عمل معماری به منزله یکی از رویدادها و محصول آن به منزله یکی از واقعیات مادی جهان با ورود به جریان رویدادها و زندگی انسان و در پیوند با آن‌ها مقام دیگری می‌یابد که حاصل تعاملش با جهان و افزوده تاریخ یا «توالی رویدادها» به معماری است. از لحظه آغاز عمل معماری کسانی در آن دخیل و کسانی شاهد و ناظر آن هستند و درباره آن سخن می‌گویند. معماری از این طریق به دایره زبان و گفتگوی انسان‌ها وارد می‌شود. محصول

۲۵. مثلاً نک: سینا سلطانی، جستجویی برای شناخت معماری خانقاه در ایران (خراسان سده پنجم)؛ سمیرا فتیحی، محله دولت ناصری؛ فرهنگ سکونت و فضای شهری در محله دولت ناصری؛ الناز نجار نجفی، نقش‌بازی و صورت‌بندی؛ مبادی سیر تکوین آنچه می‌دیدان سابط و میدان خوانند؛ فاطمه گلدار، چهارطاقی ساسانی؛ جستجوی کالبد و معنا؛ شیوا فلاح نجم‌آبادی، خوانش میدان‌های یزد در دوره قاجار از منظر روابط نیروهای اجتماعی-سیاسی، نمونه موردی: میدان‌های شاه، خان، امیرچخماق؛ حسین نخعی، بازشناسی روند شکل‌گیری و تحول مسجد جامع ورامین؛ مهدی سلطانی، نقش وزیران در حمایت از معماری در نیمه دوم دوره صفویه.
۲۶. مثلاً نک: کریستیان نوربرگ-شولتز، معنا در معماری غرب؛

S. Kostof, *A History of Architecture: Settings and Rituals*; B. Fletcher & R. A. Cordingley, *A History of Architecture on the Comparative Method*; D. Watkin, *A History of Western Architecture*.

آن به مکان زندگی جمعی از انسان‌ها و به جزئی از محیط زندگی جمعی دیگر از آن‌ها بدل می‌شود. از این طریق، بناها و شهرها به جریان تاریخ و زندگی انسان وارد می‌شوند و به مثابه جزئی از جهان از جریان رویدادها اثر می‌پذیرند و در آن اثر می‌گذارند، و مکان وقوع رویدادهای مختلف فردی و جمعی با ابعاد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرند. کسان مختلف از فرهنگ‌ها و اعصار مختلف با آن‌ها مواجه می‌شوند، و از آنجا که در شمار واقعیات مادی جهان هستند، با همه تخصصاتشان روان کسان مختلف را در طول زمان از خود متأثر می‌کنند. معماری در این مقام، یعنی در مقام «موجودی در تاریخ»، نیز ممکن است موضوع تاریخ قرار گیرد و نظر کردن به معماری در این مقام نحو دیگری از تاریخ با موضوع معماری را پدید می‌آورد.^{۲۷}

۳. تاریخ با رویکرد معماری

ممکن است معماری در ترکیب تاریخ معماری معرف رویکرد تاریخ باشد. می‌دانیم که تاریخ نحوی تحقیق درباره معرفت و عمل انسان در گذشته یا طریق معرفت یافتن به آن‌هاست که با تفسیر بقایای اعمال انسان به پیش می‌رود. اگر تاریخ، چنان‌که فلاسفه تاریخ گفته‌اند،^{۲۸} به اعتبار موضوع و مسیر و منبع و هدفش، از دیگر تحقیق‌ها ممتاز می‌شود، آنگاه تفاوت رویکردهای مختلف تاریخ یا انحای آن ممکن است از حیث دیدگاه و نظریه‌ای باشد که در آن به کار گرفته می‌شود (مثل تاریخ‌نگاری مارکسیستی)، یا از جهت عطف توجه به چیزی خاص یا جهتی معین در موضوع آن (مثل تاریخ ذهنیت‌ها)، یا از جهت منابع و طرز رفتار با آن‌ها (مثل تاریخ شفاهی)، یا از جهت طرز مواجهه با موضوع و تفسیر آن (مثل تاریخ اجتماعی).^{۲۹} معماری از سنخ دیدگاه و نظریه نیست، اما می‌تواند بیانگر جهتی معین از موضوع تاریخ، یعنی انسان و اعمال او، باشد. بقایای آن، از جمله شهرها و بناها، ممکن است منبع هر نحو تاریخ باشد و خود عمل معماری یا جزئی از آن نیز می‌تواند طرز رفتار



انسان‌ها در مکان مصنوع یا محصول معماری و در تعامل با آن وقوع می‌یابد. مثلاً مجالس درس و وعظ عزیزالدین نسفی^{۳۱} در مسجد جمعه ابرقو برگزار می‌شد و او بخشی از کتاب *انسان کامل* را نیز در همین مسجد نوشت؛^{۳۲} من در اتاق کارم این متن را می‌نویسم و شما نیز احتمالاً در مکانی مصنوع آن را می‌خوانید. آیا انسان از کیفیت‌های مکان قرارگیری‌اش متأثر می‌شود؟ آیا اعمال او از این تأثر متأثر می‌شوند؟ آیا تصور مکان عمل در مبادی عمل جایی دارد؟ به نظر می‌رسد اگرچه انسان بناها و شهرها را پدید می‌آورد، بناها و شهرها نیز، به منزله بستر مادی وقوع اعمال انسان، تا اندازه‌ای به رفتار انسان‌ها شکل می‌دهند؛ مثلاً می‌توان پذیرفت که مجلس درس نسفی از آن‌رو که در مسجد ابرقو برگزار می‌شده، با مجالس درس امروز که در کلاس‌های متعارف مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها برگزار می‌شود، متفاوت است. پس می‌توان مجالس درس و وعظ عزیزالدین نسفی را با نظر به برگزاریشان در مسجد ابرقو مطالعه کرد. نیز بر همین سیاق می‌شود تاریخ آموزش را با عطف توجه به مکان آموزش نوشت؛ یا می‌شود تاریخ سیاست را با عطف توجه به مکان تحمل سیاسی و مظهر آن، یعنی سکونتگاه‌ها و شهرها، نوشت؛ یا می‌شود تاریخ حاکمان یا مردم را با عطف توجه به مکان زندگی و استقرارشان نوشت. به بیان دیگر می‌توانیم به اعمال گذشته انسان از این جهت نظر کنیم؛ یعنی به انسان گذشته به منزله موجودی نظر کنیم که احوال علمی و عملی و سرنوشت او متأثر از بناها و شهرها، یعنی بستر مادی حضور و تحقق اعمال او در جهان، بوده است و اعمال او را از این منظر مطالعه و روایت کنیم. چنین نظر کردنی می‌تواند مقدمه پدید آمدن رویکردی تازه و معماریانه در کار تاریخ باشد؛ همان‌گونه که اعتنای اهل تاریخ به پایه‌های فرهنگی اعمال اقشار مختلف انسان‌ها در جوامع به پیدایی تاریخی فرهنگی انجامید^{۳۳} یا عطف توجه اهل تاریخ به طرز فکر عامه به پیدایی تاریخ ذهنیت‌ها منجر شد.^{۳۴} به نظر می‌رسد که می‌توان تاریخ معماری به این

ما با این منابع باشد؛ همچنین معماری ممکن است بیانگر طرز مواجهه با موضوع تاریخ و نحوی معرفت یافتن به آن باشد. بنابراین، تاریخ معماری، آنگاه که معماری را در مقام رویکرد تاریخ در نظر آوریم، ممکن است بر تحقیقی دلالت کند که متوجه وجه آغشته به معماری زندگی انسان، یعنی مکانمندی زندگی و اعمال اوست، یا بر تحقیقی که منظور از آن تمهید قسم معماریانه منابع تاریخ است، یا بر نحوی تحقیق تاریخی که طرز مواجهه‌اش با موضوع تاریخ یا مسیر حصول معرفت در آن معماریانه است. پس می‌توانیم تاریخ با رویکرد معماری را بر سه قسم بدانیم: تاریخ با عطف توجه به مکان تحقق اعمال انسان، تحقیق به منظور تمهید قسمی از منابع تاریخ، و تاریخ به طرز معماری.

۳. ۱. تاریخ با عطف توجه به مکان تحقق اعمال انسان

از زمانی که انسان در این عالم است، در هر لحظه و هر جا پیوسته در حال عمل کردن است: راه می‌رود، سخن می‌گوید، می‌خورد، می‌آشامد، تصمیم می‌گیرد، می‌سازد، می‌خواند، می‌نوازد، می‌آموزد، نقش می‌زند، شعر می‌گوید، می‌نویسد، سیاست می‌ورزد، و در یک کلام زندگی می‌کند. تاریخ در همه این اعمال نظر می‌کند. این اعمال از پیدا و پنهان انسان، از مختصات جسمانی او گرفته تا معرفت و اندیشه و باورهای فردی و جمعی و فرهنگی او متأثر است. گذشته از این‌ها، از آنجاکه بعد جسمانی انسان در زمره واقعیات مادی جهان است، جمله اعمال ظاهری انسان به تاسی از بعد مادی وجود او مکانمند و زمانمندند. تاکنون فیلسوفان تاریخ بیشتر به زمانمندی^{۳۵} اعمال انسان توجه کرده‌اند تا به مکانمندی آن. چه خواهد شد اگر به اعمال انسان، از آن‌رو که مکانمندند و در نسبت با مکان تحققشان، یعنی بناها و شهرها، نظر کنیم؟ به حصر عقلی، مکان هر عمل انسان یا طبیعی است یا مصنوع. بنابراین بخش بزرگی از اعمال مختلف

۲۷. مثلاً نک: مرضیه بازیار، *بازشناسی مجموعه شاه‌چراغ (ک)* به مثابه فضای شهری در دوره قاجاریه؛ مطهره دانایی‌فر، *جستجوی مقوله‌های معماری برهه گذار (از دوره ساسانیان به دوران اسلامی)* با تکیه بر مقوله آبادانی؛ زینب تمسکی، *نقش امامزاده سیداسماعیل در شهر تهران دوره قاجاریه؛ صفا محمودیان، داستان مادی فن: بررسی زندگی و معماری و شهر در کنار جوی در اصفهان دوره صفوی*؛ M. Girouard, *Life in the English Country House: a Social and Architectural History*.

۲۸. نک: آر. جی. کالینگوود، *مفهوم کلی تاریخ*، فصل اول.

۲۹. قیومی بیدندی، «تقریظ»، ص ۱۲؛ البته این تقریر قدری متفاوت است.

۳۰. ربط ذاتی اعمال به مختصات زمان وقوعشان (temporality)

۳۱. عبدالعزیز بن محمد نسفی، از عرفای بنام سده هفتم قمری.

۳۲. عزیزالدین نسفی، *انسان کامل*، ص ۸۱.

۳۳. مهرداد قیومی بیدندی و نازنین شهیدی، «رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران»، ص ۹۳-۹۵.

۳۴. مهرداد قیومی بیدندی و امید شمس، «درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران»، ص ۱۱.

معنا را به طیفی از انحای تاریخ‌نگاری ذیل جریان تاریخ مکانی^{۳۵} نزدیک دانست؛ جریانی که در دهه‌های گذشته در تاریخ‌نگاری به راه افتاد و در آن مورخان به مکان به منزله بستر وقوع اعمال انسان و عاملی مؤثر در کیفیت رویدادها روی کردند.

۲.۳. تحقیق به منظور تمهید قسمی از منابع تاریخ

بقایای معماری، اعم از بناها و شهرها، نقشه‌ها، طومارهای معماری، و ترسیم‌های ناظر به شهرها و بناها، قسمی از بقایای اعمال گذشته انسان و در شمار منابع اصلی همه انحای تاریخ است. اما معمولاً این منابع با صورت اصیلشان به دست ما نرسیده است؛ مثلاً مرور ایام و ناپایداری ساخت‌مایه‌ها، عوامل طبیعی چون سیل و زلزله، جنگ‌ها و آتش‌سوزی‌های بزرگ، تصرف‌های مکرر انسان، و تخریب‌های عامدانه در طی زمان بسیاری از بناها و شهرها را دگرگون کرده است. از این رو در بسیاری از مواقع قرائت آن‌ها یا استفاده از آن‌ها به منزله «شاهد» در کار تاریخ پس از تاریخ‌گذاری^{۳۶} و تشخیص وضع اصیل آن‌ها و بازسازی، خواه تصویری باشد یا عینی، و گویاسازیشان ممکن است. تاریخ‌گذاری این قبیل بقایا مستلزم مطالعه دقیق صورت و محتوایشان و نیز دانشی پیشین به دیگر بقایا و اطلاع از ویژگی‌های صوری و سبکی آن‌هاست. از این رو برای تاریخ‌گذاری و بازسازی موفق تصویری و عینی این بقایا و نیز گویاسازی آن‌ها هم محتاج مهارت‌های مورخان و دانش تاریخ هستیم و هم محتاج مهارت‌های ذهنی و عملی معماران و دانش معماری. گذشته از این مطالعه بعضی اسناد مکتوب نظیر قراردادهای ساخت و وقف‌نامه‌های بناها و مجموعه‌بناها نیز مستلزم دانش معماری است. همچنین فهم لایه‌ای از اطلاعات مندرج در بسیاری از اسناد و متون نیز تنها با داشتن دانش معماری یا اتخاذ نظرگاهی معماریانه میسر است.^{۳۷} از این رو انحای مطالعه بقایای اعمال انسان از کسانی ساخته است که مهارت‌های لازم هر دو

حوزه تاریخ و معماری را دارند: مورخان معمار یا معماران مورخ. ترکیب تاریخ معماری، آنگاه که معماری را در آن معرف رویکرد تاریخ می‌گیریم، می‌تواند دال بر این نحو مطالعه بقایای اعمال گذشته انسان و تمهید منابع تاریخ باشد. البته به سختی می‌توان این را رویکردی در تاریخ‌نگاری دانست؛ بلکه بیشتر رویکردی است در طرز مطالعه بقایا و تمهید منابع تاریخ.

۳.۳. تاریخ به طرز معماری

تاریخ را می‌نویسند، با مطالعه و تفسیر بقایای مادی و غیرمادی و زبانی اعمال گذشته انسان. از این رو آنچه نانوشتنی است و به زبان در نمی‌آید، از چنگ معرفت انسان در کار تاریخ می‌گریزد. لذت‌ها، دردها و رنج‌ها، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، و در یک کلام نتایج تأثرها و انفعال‌های نفسانی انسان گذشته از دسترس معرفت تاریخ به دور است. نتایج بخشی از تأثرهای روان انسان از جهان در شمار مبادی معرفتی اعمال اوست: بخشی از معرفت انسان به خود و دیگران، بخشی از معرفت به طبیعت، و مهارت‌ها. تاریخ متعارف نوشتنی از روایت و انتقال این‌ها عاجز است؛ چراکه این‌ها روایت‌کردنی نیست و به زبان در نمی‌آید. این قبیل معرفت‌ها را جز به عمل کردن نمی‌توان یافت. اگر تاریخ را نوعی تحقیق درباره گذشته انسان به منظور معرفت به انسان بدانیم و از طرز مقبول و متعارف آن، یعنی مطالعه و تفسیر بقایا و نوشتن، موقتاً قطع نظر کنیم، ممکن است بتوانیم تاریخ را برای دست یافتن به معرفت‌های غیرزبانی در کنار معرفت‌های زبانی تمهید کنیم. پیش‌تر ثابت کرده‌اند که عمل انسان هم موکول به مجموعه‌ای از معرفت‌هاست و هم از راه‌های کسب معرفت برای انسان.^{۳۸} معماری نیز در مقام یکی از اعمال انسان موکول به مجموعه‌ای از معرفت‌ها و ملازم معرفت است. معرفت به خود، معرفت به انسان و مختصات فرهنگی او، معرفت به طبیعت و نگاه انسان به آن، معرفت به عمل معماری، و معرفت به سازمان‌های ذهنی و شبکه‌های معنایی معماری از

۳۵. Spatial History: نک.

I. Gregory & Donald A. DeBats & Donald Lafreniere. *The Routledge Companion to Spatial History*.

۳۶. تعیین زمان نسبتاً دقیق پیدایی‌شان.

۳۷. مثلاً نک: مرضیه نیک‌نهاد، مسجد جامع نایین: بازخوانی ترکیب کالبدی و تاریخ‌گذاری‌ها؛ بیتا قهرمانی، واژگان معماری در دوره صفویه: درآمدی بر تدوین فرهنگ‌نامه معماری ایران در دوره صفویه؛ محدثه نظیف‌کار، اطلاعات معماری اسناد خانوادگی استرآباد (خانواده کبیر). البته در همه این پایان‌نامه‌ها از حد تمهید منابع تاریخ فراتر رفته‌اند.

۳۸. نک: محمد غلامعلی فلاح، تاریخ معماری در مقام معرفت، باب ۴-۳. نسبت علم و عمل معماری، ص ۱۰۲-۱۱۵.

مهم‌ترین معرفت‌های پیش از عمل معماری، و معرفت به نفس و قوای آن، معرفت به بدن و آلات عامله آن، معرفتی افزون به انسان و مختصات فرهنگی او، معرفتی افزون به طبیعت، و نیز معرفتی افزون به عمل معماری از مهم‌ترین معرفت‌های ملازم عمل معماری است.^{۳۹} حال چه خواهد شد اگر عمل معماری را محور کسب معرفت در کار تاریخ قرار دهیم و از طرز متعارف تاریخ، یعنی مطالعه و تفسیر بقایا و نوشتن، در حاشیه آن استفاده کنیم؟ به بیان دیگر چه خواهد شد اگر معماری را هادی و راهبر تاریخ قرار دهیم و به جای اینکه صرفاً از طریق مطالعه و تفسیر بقایا درباره گذشته تحقیق کنیم، مسیر تحقیق تاریخ را با معماری معین کنیم؟

هر عمل معماری پرسش‌هایی را با خود به همراه می‌آورد: کیستند آن کسانی که برایشان معماری می‌کنیم؟ چگونه زندگی می‌کنند؟ در چه اقلیم و چه جغرافیا و چه مختصات طبیعی‌ای زندگی می‌کنند؟ طبیعت را چه می‌پندارند و چگونه در آن دست می‌برند؟ چگونه بناهایشان را برپا می‌کنند؟ طی چه مراحل؟ با چه ساخت‌مایه‌هایی؟ این ساخت‌مایه‌ها را از کجا می‌آورند؟ چگونه استخراج می‌کنند؟ چگونه عملشان می‌آورند؟ با کدام دانش فنی بناها را برپا می‌کنند؟ با کدام ابزارها؟ چگونه این ابزارها را به کار می‌گیرند؟ در کجا می‌سازند و در کجا نمی‌سازند؟ چه مواضع فرهنگی و اجتماعی‌ای برای این کار دارند؟ ذوقشان چیست و کدام صورت‌ها را می‌پسندند؟ اثاث و لوازم زندگی‌شان چیست؟ حریم‌های فردی و جمعی‌شان چیست؟ چگونه در هر گونه از بناهایشان رفتار می‌کنند؟ هر گونه از بناهایشان چگونه باید باشد تا با نیازها و طرز زندگی و رفتارشان متناسب باشد؟

می‌توانیم فهرست بلندی از این پرسش‌ها تهیه کنیم؛ پرسش‌هایی که بدون توجه به معماری، و پیش از اینکه خودمان را در موضع کسی قرار بدهیم که می‌خواهد معماری کند، در کنار هم نمی‌نشینند. پاسخ این پرسش‌ها معرفت‌های لازم عمل معماری را فراهم می‌کند. بعضی از این پرسش‌ها را می‌توان با

طرز متعارف تاریخ پاسخ داد و بعضی را نمی‌توان. اگر به طرز متعارف تاریخ قسم زبانی این معرفت‌ها را گرد آوریم، می‌توانیم «به‌عمل» در مقیاسی خرد بخش مهمی از قسم معرفت‌های غیرزبانی آن را نیز به دست آوریم. با جمع آمدن معرفت‌های لازم عمل معماری اولاً به وجه مهمی از معرفت گذشته انسان، از زبانی و غیرزبانی آن، دست یافته‌ایم و ثانیاً می‌توانیم آن‌ها را در مقیاسی خرد واقعاً به کار بگیریم و بنایی برپا کنیم. بی‌گمان اگر چنین کنیم، در ضمن کار به نادانسته‌های دیگرمان پی می‌بریم و پرسش‌هایی تازه پدید می‌آوریم که یا می‌توانیم با تکرار مسیر پیشین به آن‌ها نیز پاسخ بدهیم، یا ممکن است بتوانیم با طرح فرضیه‌هایی و از طریق آزمون و خطا بهترین پاسخ را برایشان بیابیم، یا پاسخشان را نمی‌یابیم، و پرسش‌ها را برای تحقیق‌های آینده حفظ می‌کنیم. در ضمن برپایی بنا نیز به طرز آماده کردن زمین، طرز به کار گرفتن ابزار، طرز استخراج مواد و عمل آوردن ساخت‌مایه‌ها و کار کردن با آن‌ها، طرز استفاده از ابزار و شیوه‌ها و فنون گذشته، طرز حل مسائل و رفع موانع فنی، طرز ترکیب صورت‌ها در عین ملاحظه لوازم فنی، طرز نهادن صورت‌هایی خاص در ماده کار، نسبت عمل معماری با مختصات فرهنگی و اجتماعی انسان گذشته، و... معرفت می‌یابیم. بنابراین، نتیجه این کار علاوه بر معرفت متعارف تاریخی به گذشته انسان، عده‌ای از افرادند که برخی از معرفت‌های غیرزبانی گذشته را به عمل معماری و به‌جان دریافته‌اند و می‌توانند علاوه بر تلاش برای انتقال این معرفت‌ها به افراد دیگر از طریق تعلیم صناعی، در کارهایی نظیر مرمت و احیای بناها و بافت‌ها و شهرهای گذشته نیز مفید باشند. درواقع این کار به معنای باززیست تجربه معمارانه واقعی گذشتگان از طریق بازسازی تصویری و عینی آن و در نتیجه حصول معرفت‌های لازم و ملازم آن است. با این وصف، تاریخ معماری، آنگاه که معماری را در آن معرفت رویکرد تاریخ بگیریم، ممکن است به نحوی از تحقیق تاریخی دلالت کند که در آن عمل معماری محور طرح پرسش‌ها و کسب معرفت قرار می‌گیرد.

۳۹. نک: محمد غلامعلی فلاح، همان، ص ۱۰۵-۱۱۳.

۴. معانی گوناگون تاریخ معماری

بررسی نسبت تاریخ و معماری و نتیجه همنشینی این دو در ترکیب تاریخ معماری پرده از معانی مختلفی برمی‌دارد که می‌توانیم از این ترکیب دریابیم. اطوار مختلف ممکن تاریخ معماری، با نظر به ساخت آن و معنای مفردات آن، این‌هاست: تحقیق‌هایی تاریخی با موضوع معماری و تحقیق‌هایی تاریخی با رویکرد معماری. تحقیق‌های تاریخی با موضوع معماری را می‌توانیم بر سه قسم بدانیم:

۱. مطالعه بعد طولی عمل معماری در طی زمان،
۲. مطالعه بعد عرضی عمل معماری در طول زمان،
۳. مطالعه معماری و آثار معماری در مقام موجوداتی «در تاریخ» و در نسبت با دیگر اعمال و رویدادها و دیگر وجوه زندگی انسان. تحقیق‌های تاریخی با رویکرد معماری را نیز می‌توان بر سه قسم دانست:
۴. مطالعه گذشته انسان با عطف توجه به مکان تحقق اعمال او،
۵. تحقیق به منظور مطالعه قسم معماریانه بقایای اعمال گذشته انسان و تمهید منابع تاریخ،
۶. تحقیق‌هایی تاریخی به طرز یا به وساطت عمل معماری. معماری در مقام موضوع تاریخ معرف اطوار اول و دوم و سوم تاریخ معماری است و معماری در مقام رویکرد تاریخ معرف اطوار چهارم و پنجم و ششم. تا کنون اطوار اول و دوم و سوم و پنجم تاریخ معماری تحقق یافته و طور چهارم از آن در مرحله تکوین است؛^{۴۰} اما طور ششم از تاریخ معماری، یعنی تاریخ به طرز معماری، هنوز تحقق نیافته، و سخن گفتن از آن تنها در مقام تعریف ممکن است.

منابع و مأخذ

بازیار، مرصیه. بازشناسی مجموعه شاهچراغ (ع) به مثابه فضای شهری در دوره قاجاریه، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۴.

چه معماری را در ترکیب تاریخ معماری معرف موضوع تاریخ بگیریم و چه معرف رویکرد آن، تاریخ معماری نحوی از تاریخ است. وقتی معماری را معرف موضوع تاریخ بدانیم، تاریخ معماری تحقیقی است دربارهٔ وجهی از مجموع معرفت گذشته انسان و طریقی است برای معرفت یافتن به آن؛ وجهی از معرفت انسان که در قسمی از اعمال او ظهور یافته و موجب تغییر جهان برای سکونت انسان و رسیدن آن به وضع امروز شده است. تاریخ معماری در این معنا به ما می‌گوید که ظهور معرفت انسان در کدام اعمال او و چگونه موجب شد تا اولاً جهان مهبلی سکونت انسان شود و ثانیاً این‌گونه باشد که امروز هست، همچنین بر تحقیقی دلالت می‌کند که محقق در طی انجام آن با نظر کردن در نسبت معماری و لوازم وجودی آن، همچون بناها و شهرها با انسان، پیامدهای تعامل این دو را در طی زمان می‌جوید و به نسبت معماری با دیگر امور و وجوه زندگی انسان و رویدادهای انسانی در طی زمان نظر می‌کند. اما وقتی معماری را معرف رویکرد تاریخ بدانیم، تاریخ معماری بر تحقیق‌هایی دلالت می‌کند که ما را متوجه نسبت اعمال انسان با مکان تحقیقشان می‌کند، و از این طریق دست یافتن به فهمی تازه از انسان و اعمال او را ممکن می‌کند و نیز به تحقیق‌هایی دلالت می‌کند که منظور از آن‌ها تمهید قسم معماریانه منابع تاریخ، مانند شهرها و بناها و نقشه‌ها و تصاویر و اسناد معماری، است. همچنین می‌تواند بر تحقیقی تاریخی دلالت کند که در آن عمل معماری هادی و محور طرح پرسش و کسب معرفت‌های زبانی و غیرزبانی قرار می‌گیرد.

بلوری بزاز، مونا. از معماری مینوی تا معماری زمینی: معماری و اطوار آن در شاهنامه، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

تمسکی، زینب. نقش امامزاده سیداسماعیل در شهر تهران دوره قاجاریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.

حیدر خانی، مریم. جستجوی آداب معماری ایرانی بر مبنای رساله‌های ادب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

دانیایی فر، مطهره. جستجوی مقوله‌های معماری برهه گذار (از دوره ساسانیان به دوران اسلامی) با تکیه بر مقوله آبادانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.

سلطانی، سینا. جستجویی برای شناخت معماری خانقاه در ایران (خراسان سده پنجم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

سلطانی، مهدی. نقش وزیران در حمایت از معماری در نیمه دوم دوره صفویه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

غلامعلی فلاح، محمد. تاریخ معماری در مقام معرفت: تبیین فلسفی بنیادهای وجودی و معرفتی تاریخ معماری و نسبت آن با معماری با اتکا بر حکمت متعالیه، رساله دکتری معماری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۶.

فتحی، سمیرا. محله دولت ناصری: فرهنگ سکونت و فضای شهری در محله دولت ناصری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

فلاح نجم‌آبادی، شیوا. خوانش میدان‌های یزد در دوره قاجار از منظر روابط نیروهای اجتماعی-سیاسی؛ نمونه موردی: میدان‌های شاه، خان، امیرچخماق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۴.

قهرمانی، بیتا. واژگان معماری در دوره صفویه: درآمدی بر تدوین فرهنگ‌نامه معماری ایران در دوره صفویه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.

قیومی بیدهندی، مهرداد و امید شمس. «درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران»، در مطالعات معماری ایران، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، ص ۵-۲۵.

قیومی بیدهندی، مهرداد و سینا سلطانی. «معماری گم‌شده: خانقاه در خراسان سده پنجم»، در مطالعات معماری ایران، ش ۶ (پاییز و زمستان)، ص ۶۵-۸۵.

قیومی بیدهندی، مهرداد. «تقریظ»، در سیده‌میترا هاشمی، مقدمه‌ای بر تاریخ شفاهی معماری ایران، تهران: روزنه، ۱۳۹۳، ص ۱۱-۱۵.

_____ . «سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آنها»، در گلستان هنر، ش ۱۵ (بهار ۱۳۸۸)، ص ۵-۲۰.

_____ . گفتارهایی در مبنای و تاریخ معماری و هنر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.

کار، ئی. ایچ. تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کامشاد، تهران: خوارزمی، ۱۳۸۶.

کالینگوود، آر. جی. مفهوم کلی تاریخ، ترجمه علی‌اکبر مهدیان، تهران: اختران، ۱۳۸۵.

گلداری، فاطمه. چهارطاقی ساسانی: جستجوی کالبد و معنا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

محمودیان، صفا. داستان مادی فدن: بررسی زندگی و معماری و شهر در کنار جوی در اصفهان دوره صفوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

نجار نجفی، الناز. نقش‌بازی و صورت‌بندی: مبادی سیر تکوین آنچه میباید سایاط و میدان خوانند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.

نخعی، حسین. بازشناسی روند شکل‌گیری و تحول مسجد جامع ورامین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.

نسفی، عزیزالدین. مجموعه رسائل مشهور به کتاب الانسان الكامل، تصحیح ماریژان موله، تهران: طهوری، ۱۳۸۶.

نظیف‌کار، محدثه. اطلاعات معماری اسناد خانوادگی استرآباد (خانواده کبیر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

نوربرگ-شولتس، کریستیان. معنا در معماری غرب، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.

نیک‌نهاد، مرضیه. مسجد جامع نایین: بازخوانی ترکیب کالبدی و تاریخ‌گذاری‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.

Arnold, D. & E.A. Ergut & B.T. Özkaya. *Rethinking Architectural Historiography*, London New York: Routledge, 2006.

Arnold, D. *Reading Architectural History*, London, New York: Routledge, 2002.

Ergut, Elvan Altan & Belgin Turan Ozakaya. "Introduction: Mapping Architectural Historiography", in *Rethinking Architectural Historiography*, London, New York: Routledge, 2006.

Fletcher, Banister & R. A. Cordingley (ed.). *A History of Architecture on the Comparative Method*, London: Athlone, 1967

Girouard, M. *Life in the English Country House: a Social and Architectural History*, New York: Penguin Books, 1978.

Gregory, Ian & Donald A. DeBats & Donald Lafreniere. *The Routledge Companion to Spatial History*, Milton Park, Abingdon, Oxon New York, NY: Routledge, 2018.

Kostof, S. *A History of Architecture: Settings and Rituals*, New York: Oxford University Press, 1985.

Leach, A. *What Is Architectural History?*, Cambridge, UK Malden, MA: Polity, 2010.

Marshall S. *A Brief Cultural History of Culture*, Unpublished paper prepared for the World Commission on Culture and Development (UNESCO), 1994.

Payne, A. "Architectural History and the History of Art: a Suspended Dialogue", in *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 58, No. 3, Architectural History 1999/2000, pp. 292-299.

Rose, Deborah Bird. "Writing Place", in Ann McGrath & Ann Curthoys, *Writing Histories: Imagination and Narration*, Melbourne: Monash University Press, 2009, Chapter 8.

Trachtenberg, M. "Some Observations on Recent Architectural History", in *The Art Bulletin*, Vol. 70, No. 2 (1988), pp. 208-41.

Watkin, David. *A History of Western Architecture*, London, Great Britain: Laurence King Publishing, 2011.

_____. *The Rise of Architectural History*, Architectural Press, 1980.